

بررسی باهمایی ترکیبات پایدار فعلی - اسمی در زبان روسی و مقایسه آن با زبان فارسی^۱

مهناز رهبری*

دکتری آموزش زبان روسی، دانشکده زبان‌ها و ادبیات خارجی، دانشگاه تهران، ایران

علیرضا ولی‌پور**

دانشیار زبان روسی، دانشکده زبان‌ها و ادبیات خارجی، دانشگاه تهران، ایران

(تاریخ دریافت: ۹۱/۱۰/۲۷، تاریخ تصویب: ۹۲/۳/۴)

چکیده

توضیح برخی پدیده‌های زبانی گاهی بسیار دشوار و پیچیده می‌شود، از جمله اینکه چرا در یک زبان، برخی واژگان یا ترکیب خاصی از واژگان وجود دارد یا چرا یک زبان دارای ساختار دستوری، صرفی یا نحوی ویژه خود است. تمامی این پدیده‌ها حاصل فرایند درازمدت رشد و گسترش زبان است. هر فردی بی‌آنکه راجع به آنچه می‌خواهد بگوید تفکر کند، واژگان را در ساختار جمله‌های کامل به کار می‌برد. به همین ترتیب، در گفتار خود از ترکیبات مختلف واژگان نیز استفاده می‌کند. این ترکیبات ممکن است ترکیب آزاد واژگان یا ترکیب پایدار آن باشند. ترکیبات پایدار واژگان بخش جداناپذیر در هر زبانی است. به همین دلیل، بر آن شدیم تا در این مقاله به بررسی و مقایسه ویژگی‌های ساختاری و معنایی باهمایی ترکیبات پایدار فعلی - اسمی در زبان روسی بپردازیم که از نظر علم عبارت‌شناسی (Фразеология) پربسامدترین نوع ترکیبات پایدار در زبان روسی است. همچنین، به نحوه ترجمه این گونه ترکیبات به زبان فارسی بپردازیم. در این باره، در مقایسه با زبان فارسی، بررسی دقیقی نشده است. این بررسی نقش مهمی در تدریس و یادگیری این نوع ترکیبات در زبان روسی به منزله زبان خارجی دارد. واژه‌های کلیدی: باهمایی، ترکیبات آزاد، ترکیبات پایدار، زبان روسی، معنای مجازی.

۱. این مقاله برگرفته از طرحی پژوهشی با عنوان «بررسی ترکیبات پایدار فعلی - اسمی در زبان روسی و روش‌های ترجمه آن‌ها به زبان فارسی» و به شماره ۲۶۷۶۱/۱/۲ است که با حمایت مالی معاونت محترم پژوهشی دانشگاه تهران انجام شده است.

* (نویسنده مسئول) تلفن: ۰۲۱-۶۱۱۱۹۰۲۶، دورنگار: ۰۲۱-۸۸۶۳۴۵۰۰، E-mail: m_rahbari@ut.ac.ir

** تلفن: ۰۲۱-۶۱۱۱۹۱۲۸، دورنگار: ۰۲۱-۸۸۶۳۴۵۰۰، E-mail: alreva@ut.ac.ir

مقدمه

فرهنگ هر قومی تأثیر انکارناپذیری بر زبان آن ملت دارد. فرهنگ دو کشور روسیه و ایران در بسیاری از جهات متفاوت و روند شکل‌گیری و گسترش آن در شرایط مختلفی به وقوع پیوسته است و این روند همچنان ادامه دارد. فراگیران ایرانی زبان روسی در برخورد با فرهنگ و زبان روسی و طی فراگیری زبان روسی به منزلهٔ زبان خارجی، از دریچهٔ فرهنگ و زبان خود، یعنی زبان فارسی، به زبان روسی می‌نگرند. هر زبانی تعداد قابل‌توجهی عبارات و اصطلاحات دارد که مهم‌ترین بخش هر زبان است، چرا که بازتاب‌دهندهٔ فرهنگ و غنای آن زبان، طرز تفکر، آداب و سنت‌ها، عقاید و عادات ملی است.

در میان انواع عبارات و اصطلاحات در زبان روسی، ترکیبات پایدار بخش عمده‌ای را تشکیل می‌دهد. ترکیبات پایدار در زبان روسی از نظر دو اصل فراگیری زبان، یعنی خواندن و صحبت کردن به این زبان، اهمیت شایانی دارد، چرا که درک صحیح گفتار و کلام روسی، چه به صورت شفاهی و چه کتبی، همچنین صحبت کردن سلیس و روان به زبان روسی، بدون داشتن تسلط کافی بر ترکیبات پایدار این زبان که بخش مهمی از آن را ترکیبات فعلی - اسمی تشکیل می‌دهد، امری تقریباً محال به نظر می‌رسد. بررسی باهمایی (Коллокация) ترکیبات پایدار فعلی - اسمی زبان روسی، دانسته‌های فراگیران ایرانی زبان روسی (به منزلهٔ زبان خارجی) را تقویت می‌کند، ذخیرهٔ واژگان آنان را غنی می‌سازد، همچنین گفتار آنان را دقیق‌تر و صحیح‌تر می‌کند. شاید این گفته چندان گزاف نباشد که باهمایی مقیاس خودویژه‌ای است تا میزان تسلط بر زبان روسی نزد زبان‌آموزان خارجی از جمله زبان‌آموزان فارسی‌زبان سنجیده شود.

تاریخچهٔ پژوهش

آنچه بیشتر در زبان‌شناسی قرون ۱۹ و ۲۰ میلادی بررسی شد، قوانین کلی چگونگی سازماندهی عملکرد زبانی انسان و ویژگی‌های خاص زبان‌های مختلف بود. در زبان‌شناسی این دوره بسیاری از قوانین زبانی و ویژگی‌های کلی و عمومی زبان‌های مختلف مشخص و تعیین شد (بودن دو کورتنه، ۱۹۶۳: ۶-۱۸). یکی از جنبه‌های زبانی بررسی شده در این دوره که نسبت به دیگر جنبه‌های زبانی از جمله صرف‌ونحو دیرتر بررسی شده، علم عبارت‌شناسی

(Фразеология) است که هنوز هم بررسی این علم نسبت به دیگر جنبه‌های زبانی رشد کندتری دارد (لارین، ۱۹۵۶: ۱۲۵-۱۴۹).

اصطلاح عبارت‌شناسی (Фразеология) را که از دو کلمه یونانی phrasis به معنای عبارت و logos به معنای علم گرفته شده، اولین بار میخائیل نیاندر، زبان‌شناس برجسته آلمانی، در سال ۱۵۵۸ به منظور بیان مجموع عبارات گفتاری اصطلاحات سخنوری یونانی به نام ایسکارات به کار برد (سالادوب، ۲۰۰۲). پایه‌گذار نظریه علم عبارت‌شناسی (Фразеология) زبان‌شناسی سوئسی به نام شارل بالی است که در اوایل قرن بیستم، یعنی در سال ۱۹۰۵، در کتاب خود سعی کرد تا انواع ترکیب مختلف کلمات زبان فرانسه را با تکیه بر میزان پایداری روابط معنایی میان واژگان - اجزای تشکیل‌دهنده آن دسته‌بندی کند. با این حال، او علم عبارت‌شناسی (Фразеология) را جنبه مستقل زبانی تلقی نمی‌کرد، بلکه آن را در ترکیب علم واژه‌شناسی می‌گنجاند و بیشتر اصطلاحات را از لحاظ سبک بررسی می‌کرد (بالی، ۱۹۶۱). بررسی علم عبارت‌شناسی (Фразеология) در زبان روسی با موانع زیادی روبه‌رو بوده است، از جمله پیچیده‌بودن خود موضوع علم عبارت‌شناسی (Фразеология)، دشواربودن مرزبندی و تعیین حدود میان واحدهای فرازیولوژیکی، تاریخچه بررسی و کاربرد انواع اصطلاحات و عبارات مختلف که در هیچ یک از علوم زبانی دیگر چنین تنوعی مشاهده نمی‌شود (اژیگوف، ۱۹۷۷: ۱۹۳).

تاکنون عده زیادی از محققان زبان روسی تحقیقات بسیاری را در زمینه‌های مختلف ترکیبات و عبارات زبان روسی انجام داده‌اند. بیشتر زبان‌شناسان معاصر روسیه بر این نکته اتفاق نظر دارند که مسئله بررسی علم عبارت‌شناسی (Фразеология) را به منزله جنبه زبانی مستقل، برای اولین بار استاد پالیوانف، زبان‌شناس برجسته روسی، در قرن بیستم مطرح کرد. وی برای اولین بار مسئله بررسی ترکیبات پایدار را در بخش ویژه‌ای از علم زبان‌شناسی که همان علم عبارت‌شناسی (Фразеология) است، مطرح کرد (کونین، ۱۹۹۶: ۷). پالیوانف ضمن بررسی تفاوت‌های میان جنبه‌های مختلف زبان‌شناسی همچون صرف، نحو و واژه‌شناسی، ضرورت جداکردن بخشی از علم زبان‌شناسی را که همان علم عبارت‌شناسی (Фразеология) است اثبات کرد (آنیکین و همکاران، ۱۹۹۸: ۱۶۹-۱۷۰).

حین تحقیق درباره ساختار عبارتی زبان، بیشتر زبان‌شناسان روسی به بررسی میزان پایداری ترکیبات زبان روسی پرداختند. همان‌طور که کونین (۱۹۹۶: ۵) می‌گوید: «عبارات از ترکیب

واژگان تشکیل شده است؛ یعنی، ساختارهایی که واژگان- اجزای تشکیل‌دهنده آن به طور کامل یا بخشی از آن تغییر معنایی داشته است.»

درباره مرز بین ساختارهای مختلف عبارات در میان زبان‌شناسان نظریه یکسانی وجود ندارد. برخی زبان‌شناسان همچون ویناگرادوف و سمیرنیتسکی تنها ترکیب واژگان را جزو عبارات می‌دانند و برخی دیگر از جمله کونین، معتقدند که ساختار دوواژه‌ای پایین‌ترین سطح عبارات است و بالاترین سطح عبارات، جمله مرکب است که ضرب‌المثل جزء آن به شمار می‌رود (کونین، ۱۹۹۶: ۲۶).

اصطلاح Коллокация در علم عبارت‌شناسی روسی بر اساس تعریف ویناگرادوف (В.В. Виноградов) در سال ۱۹۷۲ شکل گرفت که عبارت است از фразеологическое сочетание یا بر اساس تعریف میلچوک (И.А. Мельчук) عبارت است از лексическая функция، که به ترکیب دو یا چند واژه اطلاق می‌شود و یکی از واژگان- اجزای تشکیل‌دهنده آن مفهوم اصلی ترکیب را در بردارد و واژه اصلی یا ثابت ترکیب محسوب می‌شود (преступление) و معنای واژه دیگر وابسته به این واژه است (совершать) که ترکیب совершать преступление را به وجود می‌آورد (کارنیلوف، ۲۰۰۳: ۱۳۳).

در زبان‌شناسی معاصر روسی تاکنون تحقیقات زیادی در زمینه بررسی جنبه‌های مختلف عبارات و ترکیبات پایدار صورت گرفته، از جمله اولین دسته‌بندی‌ها مربوط به ویناگرادوف است (ویناگرادوف، ۱۹۷۷: ۲۸). پس از او زبان‌شناسان دیگری همچون آرخانگلسکی، چرنیشفسکی، بولاخوفسکی، رفرماتسکی، شانسکی و لارین تحقیقات وی را ادامه دادند. در سال‌های اخیر محققان به بررسی کاربرد ترکیبات پایدار، همچنین به تعیین عملکردهای زبان‌شناسانه و اصول روش تدریس این ترکیبات پرداخته‌اند (شانسکی، ۱۹۶۹).

مسئله مقایسه ترکیبات پایدار زبان روسی با زبان فارسی به منظور بهره‌برداری در امر تدریس زبان روسی به منزله زبان خارجی تاکنون بررسی چندانی نشده که این موضوع یکی از دلایل اصلی نگارش مقاله حاضر است.

ترکیبات در زبان روسی

ترکیب واحدی زبانی است که در جایگاهی میان واژه (به منزله ساده‌ترین واحد زبانی) و جمله قرار دارد. ترکیبات، همانند واژگان ابزاری برای ساخت جمله است. ترکیبات ساده‌ترین نوع

ساختار برای بیان افکار است و در بررسی نحوی هر زبان جزو واحدهای زبانی تفکیک‌پذیر محسوب می‌شود.

ترکیبات در زبان روسی جزو پرشمارترین گروه از نظر ساختار و نیز گسترده‌ترین از لحاظ کاربرد است. بدین ترتیب، به دو دسته تقسیم می‌شود: ترکیبات آزاد یا ناپایدار، و ترکیبات پایدار. ترکیبات آزاد یا ناپایدار به دسته‌ای از ترکیبات گفته می‌شود که در فرایند ارتباط زبانی و بسته به آنچه می‌خواهیم بگوییم ساخته می‌شود. معنای ترکیبات آزاد یا ناپایدار به‌طور مستقیم از مجموع کلمات - اجزای تشکیل‌دهنده آن به دست می‌آید؛ برای مثال، новая машина, красивая девушка, читать книгу. در چنین ترکیباتی می‌توان واژگان - اجزای تشکیل‌دهنده را با واژگان دیگری جایگزین کرد؛ برای مثال، читать книгу, писать книгу, открыть книгу, читать письмо, читать газету, читать новую книгу, читать интересную книгу. آزاد را گسترش داد، برای مثال. مستقل خود را حفظ می‌کند و عملکرد نحوی معینی دارد. از آنجا که می‌توان ساختار ترکیبات آزاد را گسترش داد، برای مثال. بنابراین ترکیبات آزاد یا ناپایدار بسته به شرایط گفتاری و آنچه می‌خواهیم بگوییم، ساخته می‌شود، در نتیجه در ذهن ما باقی نمی‌ماند. همچنین، چنانچه شرایط و موقعیت گفتاری تغییر کند، ترکیبات آزاد دیگری ساخته می‌شود.

اما بررسی آن دسته از ترکیباتی که هم‌بستگی درونی کلمات تشکیل‌دهنده آن، منجر به یکپارچگی معنایی و تمامیت مفهوم ترکیب می‌شود، از نظر نحوی ممکن نیست. این دسته از ترکیبات که ترکیبات پایدار نام دارد، باید به‌طور جداگانه و در علم عبارت‌شناسی (Фразеология) بررسی شود. در هر زبانی میزان قابل توجهی ترکیبات پایدار وجود دارد که خود نشانه غنی بودن آن زبان است. ترکیبات پایدار در هر زبانی گویای ویژگی‌های ملی، طرز تفکر، ارزش‌های اخلاقی - زیبایی‌شناختی و سایر ویژگی‌های یک ملت است که تحت تأثیر عوامل طبیعی - جغرافیایی، سیاسی، تاریخی، فرهنگی و جزآن شکل گرفته است. به گفته کارنیلوف (۲۰۰۳: ۱۳۳): «ترکیبات پایدار ثمره منحصر به فرد هنر و بخش جدایی‌ناپذیر فرهنگ هر ملت و نتیجه خودادراکی آن فرهنگ است.»

لارین (۱۹۷۷: ۲۱۰-۲۳۳) در کتاب خود با عنوان *مطالعاتی درباره علم عبارت‌شناسی، واژه‌شناسی و سبک‌شناسی بر خودویژه بودن این گونه ترکیبات تأکید می‌کند*. او ضمن بررسی دسته‌بندی شارل بالی و ویناگراووف از ترکیبات پایدار، خاطر نشان می‌سازد که چنین ترکیباتی معنایی اضافی دارد که این معنای اضافی، بیانگر اهمیت وجود هر یک از کلمات - اجزای

تشکیل‌دهنده ترکیب است. با این حال شارل بالی چنین ترکیباتی را جزو عبارات به حساب نمی‌آورد، چرا که از نظر وی چنین ترکیباتی کمترین درجه استعاره‌ای و اصطلاحی را دارد. به عقیده وی، تنها تعداد اندکی از ترکیب کلمات مربوط به دوره اسلاو باستان یا قرون وسطی را می‌توان اصطلاح نامید.

همان‌طور که گفتیم، ترکیبات پایدار یا وابسته ترکیباتی است که در فرایند برقراری ارتباط ساخته نمی‌شود، بلکه به صورت مجموعه‌ای آماده و موجود در زبان به‌کار می‌رود. معنای مستقل واژگان- اجزای تشکیل‌دهنده ترکیبات پایدار بسیار ضعیف است، در حدی که واژگان در این ترکیبات، ارتباط خود با مفهوم شیء را از دست می‌دهد و به همین علت مفهوم کل ترکیب با معنای هر واژه به‌طور جداگانه مرتبط نیست. برای مثال، ترکیب *махнуть рукой* ترکیب پایدار فعلی- اسمی و به معنای «قطع امید کردن» است، مثال:

- Впрочем, Валентина Михайловна, кажется, **махнула** на меня **рукой**. Я в её глазах – пропащая. (Тургенев, *Новь*)

اما انگار به نظر می‌رسد والتینا میخایلوونا از من قطع امید کرده و بی‌علاقه شده است. به نظر او من آدم اصلاح‌ناپذیری ام (تورگنیف، زمین بکر).

در اینجا باید گفت که مجموع معانی دو واژه *рукой* و *махнуть* مفهوم «قطع امید کردن» را نمی‌رساند، بلکه کاربرد ثابت و پایدار این دو واژه در کنار هم و نه معنای این دو واژه در مجموع، این مفهوم را در زبان روسی القا می‌کند. دلیل گفته بالا این است که امکان جانشینی واژگان- اجزای تشکیل‌دهنده ترکیبات پایدار در چارچوب معنای مورد نظر، یا به‌طور کلی میسر نیست یا بسیار محدود است. برای مثال، در معنای «قطع امید کردن» نمی‌توان از ترکیباتی نظیر *махнуть головой* و *махнуть ногой* استفاده کرد.

برخی ترکیبات که تعدادشان نیز چندان اندک نیست، ترکیب آزاد یا ناپایدار، همچنین ترکیب پایدار در زبان روسی به‌کار می‌رود. زمانی که این ترکیبات ترکیب آزاد یا ناپایدار به‌کار می‌رود، معنای مستقیم دارد که این معنا را می‌توان از معنای هر یک از کلمات- اجزای تشکیل‌دهنده ترکیب به‌دست آورد. همچنین، هر یک از واژگان- اجزای تشکیل‌دهنده ترکیب را می‌توان با واژگان دیگری جایگزین کرد، برای مثال، *умыть руку*, *умыть ногу*.

1. Она **умыла** **руку** ребенка.

در جمله ۱، ترکیب *умыть руку* ترکیب آزاد و دارای معنای مستقیم شستن دست کودک است.

2. Он как всегда опять **умыл** **руку**. Он не ответственный человек.

در جمله ۲، ترکیب *УМЫТЬ РУКУ* ترکیبی پایدار یا وابسته است با معنای مجازی «از زیر بار مسئولیت شانه خالی کردن». به عبارت دیگر، فعل *УМЫТЬ* در جمله ۲ به معنای «شستن» و اسم *рука* به معنای «یکی از اعضای فوقانی بدن انسان» نیست. بدین ترتیب، ترکیب *УМЫТЬ РУКУ* در جمله ۱، ترکیب آزاد و دارای معنای مستقیم «شستن دست» (برای مثال، عضوی از بدن) است و در جمله ۲، ترکیبی پایدار و دارای معنای مجازی «دست شستن از کاری»، «دست کشیدن» و «از مسئولیت شانه خالی کردن» است. در ادامه، چند مثال از ترکیباتی آورده شده است که در زبان روسی هم ترکیب آزاد و هم ترکیب پایدار به کار می‌رود. به عبارت دیگر، هم دارای معنای مستقیم و هم معنای مجازی است.

مثال ۱.

- معنای مستقیم: دست داشتن (عضوی از بدن)؛ ترکیب آزاد *иметь руку*

- معنای مجازی: دست داشتن در کاری؛ ترکیب پایدار *иметь руку*

مثال ۲.

- معنای مستقیم: بستن چشم (عضوی از بدن)؛ ترکیب آزاد *закрыть глаза*

- معنای مجازی: دست شستن (از چیزی چشم پوشی کردن، چیزی را نادیده گرفتن)؛

закрыть глаза ترکیب پایدار

بدین ترتیب عبارات، ترکیبات پایداری است که معنای کلی آن به طور کامل وابسته به معنای واژگان - اجزای تشکیل دهنده آن است و یکی از واژگان آن در ترکیب، همواره به طور ثابت به کار می‌رود. این واژه ثابت اغلب با یک یا دو واژه و به ندرت با چند واژه ترکیب می‌شود و ترکیب پایدار به وجود می‌آورد. برای مثال، قید *слезно* تنها با افعال *просить, умолять* ترکیب می‌شود، صفت *закадичный* تنها با اسم *враг* ترکیب می‌شود، فعل *разинуть* فقط با اسامی *рот* و *пасть* ترکیب می‌شود. باهمایی این اجزای کلام ترکیبات پایداری را موجب می‌شود که معنای واژگان - اجزای تشکیل دهنده آن به کلی از دست رفته و به همین دلیل دارای معنای وابسته شده است (ویناگرادوف، ۱۹۷۷: ۱۵۷). بنابراین، اصلی ترین ویژگی ترکیبات پایدار، معنای وابسته یکی از واژگان - اجزای تشکیل دهنده ترکیب و معنای آزاد واژه دیگر است؛ برای مثال، *обдаться злобой* و *щекотливый вопрос*. واژگان در این گونه ترکیبات، معنایی متناسب با ترکیبی پیدامی‌کند که در آن قرار گرفته است. بدین ترتیب، یکی از واژگان ترکیب، پایدار و ثابت و واژه دیگر، متغیر و جانشین پذیر است.

باید این نکته را در نظر داشت که ترکیبات پایدار (устойчивые словосочетания) با اصطلاحات (фразеологические сращения) تفاوت زیادی دارد و نباید این دو را با هم یکسان دانست. در ادامه برخی وجوه تمایز ترکیبات پایدار از اصطلاح را برمی‌شمریم.

۱. وجود واژگان- اجزای تشکیل‌دهنده ثابت و متغیر در ترکیب پایدار، آن را از اصطلاح (фразеологические сращения) متمایز می‌سازد (ویناگرادوف، ۱۹۷۷: ۱۵۸). همان‌طور که گفتیم واژگان ثابت در ترکیبات پایدار معنای وابسته دارد. برای مثال، در ترکیباتی مانند *давать покой* و *закрыть лицо* و *давать* دو واژه *давать* و *закрыть* واژگان ثابت و در عین حال واژگان اصلی ترکیب است که با واژگان متغیر مختلفی ترکیبات پایدار دیگری را ایجاد می‌کند، برای مثال:

закрыть – лицо (руками)	صورت را پوشاندن (با دست‌ها)
закрыть – журнал, газету	توقیف کردن مجله، روزنامه
закрыть – завод	کارخانه را بستن (تعطیل کردن)
закрыть – собрание	جلسه را تمام کردن، به جلسه خاتمه‌دادن
давать – возможность, покой	امکان‌دادن، راحت گذاشتن
давать – согласие, совет	موافقت کردن، نصیحت کردن (پنددادن)
делать – трагедию	چیزی را شلوغ کردن، بزرگ کردن
делать – успехи	به موفقیت رسیدن، موفق بودن
делать – исключение, вывод	نتیجه گرفتن (نتیجه‌گیری کردن)، استثنا قائل شدن

۲. یکی دیگر از وجوه تمایز ترکیبات پایدار از اصطلاح این است که ترکیبات پایدار، برخلاف اصطلاح، از لحاظ معنای لغوی تا حدودی تقسیم‌پذیر است. بدین ترتیب که حتی واژگان ثابت در ترکیبات پایدار با واژگان مترادف خود جایگزین می‌شود (ویناگرادوف، ۱۹۷۷: ۱۵۸)؛ مثال:

держатъ себя в руках – вести себя	جلوی خود را نگه‌داشتن، خودداری کردن
прийти в чувство – прийти в сознание	به هوش آمدن
завоёвывать титул – завоёвывать звание	درجه، رتبه، عنوان کسب کردن

۳. از دیگر ویژگی‌های اصلی ترکیبات پایدار، تغییر معنایی یکی از واژگان- اجزای تشکیل‌دهنده آن است. هنگامی که واژه‌ای در ساختار ترکیب پایدار به کار می‌رود، معنای اولیه

و مستقل خود را از دست می‌دهد. برای مثال، فعل одерживать/одержать در حال حاضر معنای اصلی خود را که همان نگه‌داشتن چیزی است از دست داده و اکنون تنها در ترکیب با واژگان верх و победа به کار می‌رود. به همین ترتیب، افعال در ترکیبات پایدار معنای معمول و متداول خود را از دست می‌دهد و معانی جدیدی می‌گیرد، یا به عبارت دیگر تغییر معنایی می‌یابد. برای مثال، فعل выходить در ترکیب پایدار معنای اصلی خود را که معنایی حرکتی است از دست می‌دهد (выходить из дома) و معانی جدیدی به دست می‌آورد (مالاتکوف، ۱۹۷۸: ۴۶۷).

а) появляться – выходить в свет	به وجود آمدن، پیداشدن، ظاهر شدن
б) разрушаться – выходить из строя	خراب شدن، ویران شدن
в) освободиться – выходить из-под власти	از زیر سلطه رهائیدن
терять – выходить из доверия	اعتقاد خود را از دست دادن

۴. از ویژگی‌های مهم دیگر ترکیبات پایدار این است که تعداد محدودی از واژگان با واژه اصلی ترکیب‌پذیر است. این تعداد واژگان زیاد یا محدود است. برای مثال، همان‌طور که گفتیم، فعل одерживать فقط با دو واژه верх و победа به کار می‌رود در حالی که فعل давать با تعداد زیادی واژگان ترکیب می‌شود؛ برای مثال، давать автограф, давать возможность, давать знак, давать согласие, давать слово (مالاتکوف، ۱۹۷۸: ۴۶۷).

بسته به اینکه چه اجزای کلامی در ترکیبی پایدار شرکت می‌کند، می‌توان انواع ترکیبات پایدار را مشخص کرد، از جمله ترکیبات پایدار فعلی، اسمی، قیدی، صفتی و جزآن که در اینجا به بررسی ترکیبات پایدار فعلی یا فعلی - اسمی می‌پردازیم.

ترکیبات پایدار فعلی - اسمی ترکیباتی است دارای فعل و بر عمل یا حالتی دلالت و در جمله نقش خبر را از لحاظ نحوی ایفا می‌کند؛ برای مثال،

протянуть руку помощи (помочь кому-либо)	کمک کردن به کسی
бить во все колокола (поднимать тревогу)	اعلان خطر کردن
нести чушь (говорить глупости, бессмыслицу)	چرندگفتن، یاوه‌گفتن، مزخرف‌گفتن

در حال حاضر، مسئله ترجمه از یک زبان به زبان دیگر، مسئله‌ای است که همواره توجه مترجمان و زبان‌آموزان زبان خارجی را به خود مشغول کرده است. ترجمه معنای مجازی ترکیبات پایدار زبان روسی به زبان فارسی نیز با دشواری‌هایی همراه است که

علت آن را می‌توان متفاوت‌بودن ساختار این ترکیبات در زبان روسی و فارسی ذکر کرد که در نهایت علت اصلی آن را باید در ویژگی‌های ملی-فرهنگی هر دو زبان روسی و فارسی جستجو کرد. تفاوت‌های ویژگی‌های ملی-فرهنگی زبان‌های روسی و فارسی منجر به متفاوت‌بودن عبارات و ترکیبات پایدار می‌شود. به همین دلیل، از نظر نحوه بیان و چگونگی ترجمه ترکیبات پایدار فعلی-اسمی زبان روسی به فارسی، می‌توان این ترکیبات را به سه دسته تقسیم کرد.

۱. ترکیبات پایدار فعلی-اسمی و دارای معادل‌های به‌طور کامل یکسان در زبان فارسی. ترکیباتی در این دسته قرار می‌گیرد که از نظر معنایی، لغوی، ساختاری، همچنین از لحاظ سبک در هر دو زبان یکسان است. همان‌طور که از مثال‌های زیر پیداست، ترکیبات این دسته از نظر دستوری در زبان‌های روسی و فارسی کمی متفاوت است، اما وجود واژگان یکسان در ترکیبات هر دو زبان و نیز معنای یکسان واژگان این ترکیبات، تشابه و یکسانی آن‌ها را در هر دو زبان تأیید می‌کند (استیپانوف، ۲۰۰۵: ۱۵۲).

وجود معادل‌های کامل ترکیبات پایدار زبان روسی در زبان فارسی گواهی است بر این نکته که منطقی استعاره دو ملیت روسی و ایرانی آرمان‌ها و ایده‌آل‌های عمومی و مشترک است. دلیل چنین اشتراکی این است که مبانی فکری و مفاهیم پایه‌ای مشترکی در دو فرهنگ متفاوت روسی و فارسی وجود دارد. همچنین، این امر دلیلی است بر نفوذ متقابل واحدهای زبانی سیستم‌های هر دو زبان در نتیجه عواملی چون ارتباطات فرهنگی، درک یکسان از اجزا و پدیده‌های جهان عینی که در شکل‌گیری ادراک ملل مختلف منجر به نگرش یکسان می‌شود. همچنین، وجود قوانین یکسان منطق و روان‌شناسی تفکر انسانی (استیپانوف، ۲۰۰۵: ۱۵۶).

مثال:

در زبان روسی	در زبان فارسی
бросать работу	کار را رهاکردن
дать покой	آرامش دادن
владеть собой	به خود مسلط‌بودن
выходить из-под власти	از زیرسلطه خارج‌شدن
делать опыт	آزمایش کردن
делать выбор	انتخاب کردن
делать вид	وانمود کردن
брать отпуск	مرخصی گرفتن

۲. ترکیبات پایدار فعلی - اسمی و دارای نیمه معادل در زبان فارسی. برای بسیاری از ترکیبات پایدار فعلی - اسمی زبان روسی نمی توان در زبان فارسی معادل های کامل یافت. در ترجمه این گونه ترکیبات تنها بخشی از ترکیب از نظر لغوی و معنایی با ترکیب موجود در زبان فارسی شباهت دارد. به عبارت دیگر، تنها یکی از واژگان - اجزای تشکیل دهنده ترکیب پایدار در زبان روسی با زبان فارسی مطابقت دارد که این واژه ممکن است فعل یا اسم در ترکیب مذکور باشد. مثال:

در زبان روسی	در زبان فارسی
сгореть от стыда	از خجالت آب شدن (معنای لغوی: таять от стыда)
делать замечание	به کسی تذکر دادن (معنای لغوی: давать замечание)
давать согласие	موافقت کردن (معنای لغوی: делать согласие)
брать клятву	قسم خوردن (معنای لغوی: есть клятву)
выходить из доверия	اعتماد خود را از دست دادن (معنای لغوی: терять свое доверие)
приходить известность	معروف شدن (معنای لغوی: стать известным)
махнуть рукой	دست شستن (معنای لغوی: перестать обращать внимание)

۳. ترکیبات پایدار فعلی - اسمی زبان روسی و فاقد معادل های دقیق در زبان فارسی. این گونه ترکیبات هیچ وجه تشابهی با معادل های خود در زبان فارسی ندارد. به عبارت دیگر، برای بیان معانی این گونه ترکیبات پایدار فعلی - اسمی در زبان فارسی، از فعل و اسمی غیر از آنچه در زبان روسی به کار می رود استفاده می شود. بدین ترتیب، برای ترجمه چنین ترکیباتی نباید واژگان ترکیب را جداگانه، بلکه کل ترکیب را به طور یکجا در نظر گرفت و معادل معنایی برای کل ترکیب در زبان فارسی یافت، چرا که به ویژه ترکیبات پایدار این دسته اند که در فرایند تحول تاریخی هر زبانی ساخته می شود و ویژگی های ملی - فرهنگی یک زبان را منعکس

می‌کند. برای مثال، برای زبان‌آموزان ایرانی تنها دانستن معانی کلمات **выходить** و **положение** کافی نیست تا ترکیب پایدار این دو واژه در زبان روسی، یعنی **из положения** **выходить** را درک کند و آن را به درستی به کار ببندد. زبان‌آموزان ایرانی نباید واژگان این ترکیب را جداگانه، بلکه در ترکیب موجود و مشخص خود و مطابق با آنچه در زبان روسی به کار گرفته می‌شود فراگیرند، در غیر این صورت سعی خواهند کرد این‌گونه ترکیبات را طبق آنچه در زبان فارسی است، یعنی به صورت ترجمهٔ واژه به واژه، انجام دهند (**упасть из места** که ترجمه‌ای اشتباه است).

از بررسی‌های ترکیبات پایدار بدون معادل همچنین می‌توان نتیجه‌گیری کرد که چنین ترکیباتی بر پایهٔ پدیده‌های ویژهٔ اجتماعی و محیطی گویشوران هر زبان شکل گرفته است و تنها آگاهی‌داشتن از تاریخ، اوضاع اقتصادی، نحوهٔ توسعهٔ شهرها، صنعت و دیگر مسائل مشابه تعیین می‌کند که ویژگی خاص هر ترکیب پایدار و مبنای کاربرد آن بر چه چیزی استوار است. نبودن معادل برای چنین ترکیباتی همچنین دلیلی بر ویژگی ملی آن است که تحت تأثیر عوامل مختلف از جمله عوامل فرهنگی، اقتصادی، زیستی، نژادی و جز آن شکل گرفته است. خود عواملی که ذکر شد با عوامل ثانویهٔ دیگری همچون حوادث تاریخی، کوچ، آب‌وهوا، سرزمین، مکان زندگی، عادات، نحوهٔ تفکر، و جهان‌بینی هر کشور و فرهنگ آن مرتبط است.

مثال:

<u>در زبان روسی</u>	<u>در زبان فارسی</u>
выходить из положения	راه‌حلی پیدا کردن (معنای لغوی: упасть из места)
закрыть глаза	چشم‌پوشی کردن (معنای لغوی: не обращать внимания на что-либо)
водить за нос	کسی را سردواندن (معنای لغوی: задерживать кого-либо в заблуждении)
говорить на разных языках	حرف همدیگر را نفهمیدن (معنای لغوی: не понимать друг друга)
с жиру сбиться	خوشی زیر دل را زدن (معنای لغوی: радость ударит живота)

نتیجه

ترجمه از یک زبان به زبان دیگر، مسئله‌ای است که همواره توجه مترجمان و زبان‌آموزان زبان خارجی را به خود مشغول داشته است. ترجمه ترکیبات پایدار زبان روسی به فارسی (در مورد موضوع مورد بررسی این مقاله، ترکیبات پایدار فعلی - اسمی) نیز با دشواری‌هایی همراه است که علت آن ناشی از متفاوت بودن ساختار این ترکیبات در زبان‌های روسی و فارسی است که این تفاوت از یکسان نبودن ویژگی‌های ملی - فرهنگی هر دو زبان سرچشمه می‌گیرد. در بررسی‌های انجام شده در زمینه ترجمه ترکیبات پایدار فعلی - اسمی زبان روسی به فارسی مشخص شد که نمی‌توان برای تمامی این ترکیبات معادل‌هایی یکسان یافت و تنها برخی از این گونه ترکیبات در زبان روسی معادل به‌طور کامل یکسان یا تقریباً یکسان در زبان فارسی دارد و بخش عمده‌ای از ترکیبات پایدار فعلی - اسمی زبان روسی، هیچ‌گونه معادلی در زبان فارسی ندارد. با بررسی این ترکیبات در زبان روسی و از نظر نحوه بیان و چگونگی ترجمه آن‌ها به فارسی، این ترکیبات به سه دسته تقسیم می‌شود: ۱. ترکیبات پایدار فعلی - اسمی زبان روسی که دارای معادل‌های یکسانی در زبان فارسی است؛ ۲. ترکیبات پایدار فعلی - اسمی زبان روسی که دارای نیمه معادل در زبان فارسی است؛ ۳. ترکیبات پایدار فعلی - اسمی زبان روسی که معادل‌های دقیقی در زبان فارسی ندارد.

در پایان یادآوری می‌شود که بررسی ترکیبات پایدار زبان روسی و نحوه بیان آن‌ها در زبان فارسی گامی مؤثر برای کسانی است که به نوعی با زبان روسی مرتبط‌اند، از جمله مترجمان، دانشجویان و زبان‌آموزان زبان روسی تا هر چه بهتر بتوانند این ترکیبات را که بخش مهمی از زبان روسی است و اینکه ترجمه آن‌ها با پیچیدگی‌های خاصی همراه است، به زبان فارسی ترجمه کنند.

References

- Anikin, B.P., Likhachov, D.C., Mikelson, T.N. (1998). *Epics. National Russian tales. Old Russian stories*, Moscow.
- Bally, Ch. (1961). *Precis de stylistique*, Geneve, Moscow.
- Baudouin de Courtenay, J. (1963). *Linguistics of XIX century, selected works about general linguistics*, Moscow.
- Kornilov, O.A. (2003). *Linguistic images like derivation national mentality*, Moscow.

- Kounin, A.B. (1996). *Phraseology of contemporary English Language*, Moscow.
- Larin, B.A. (1977). *History of Russian Language and Applied Linguistics*, Moscow.
- Larin, B.A. (1956). *Studies about Phraseology, Lexicology and Stylistic*, LGU.
- Malatkov, A.I. (1978). *Phraseological Dictionary of Russian Language*, Moscow.
- Ozhigov, S.I. (1977). *Lexicology, Lexicography, Culture of speech*, Moscow.
- Solodoub, U.P., Albresht, F.B. (2002). *Contemporary Russian Language, Vocabulary & phraseology*, Moscow.
- Stipanov, Y.N. (2005). Journal "Mova", *Odessian phrases in system of Russian Phraseology*, Odessa.
- Shanski, N.M. (1969). *Phrases in temporary Russian Language*, Moscow.
- Vinogradov, V.V. (1977). *Lexicology & Lexicography*, Moscow.